

بله زمانیکه فیلمنامه «سفر جادویی» را برای گرفتن مجوز و پروانه ساخت ارائه دادیم تازه گرفتاری ها شروع شد. آن زمان تصویب فیلمنامه در فارابی انجام می شد و در آنجا دو شورا وجود داشت: شورای فیلم های کودک و نوجوان و شورای فیلم های بزرگسال. فیلم نامه «سفر جادویی» را نزدیک به یک سال این دو شورا عین توپ فوتبال به همدیگر پاس می دادند. شورای بزرگسال اعلام می کرد که در این سناریو محور شخصیت های کودک هستند و سناریوی بزرگسال نیست، از آن طرف شورای کودک می گفت نه، مسائل بزرگسالان در آن برجسته تر است!

هر چقدر هم من فیلمساز دست و پا می زدم که «دوستان، این تقسیم بندی که شما دارید اصولا تقسیم بندی اشتباهی است و یک فیلم می تواند فیلم خانواده به معنای کامل باشد؛ فیلمی که موضوعاتش از کودک تا سنین کهنسالی را در بر بگیرد»، به گنشان نمی رفت!، چرا که در لیست شان چنین اطلاقی وجود نداشت! طبعاً مثل همه مسائل، سال ها طول کشید تا این واقعیت را بپذیرند. - والبتنه در مورد فیلمنامه سفر جادویی این شد که در نهایت فیلمنامه اش مجوز هیچ کدام از این شوراهای نگرش و شخص سید محمد بهشتی که آن زمان مسئول فارابی بود و طبعاً تئوری های خاص خودش را هم نسبت به سینما داشت، مسئولیت کار را به عهده گرفت و مجوز را امضا کرد و باعث شد که این فیلم ساخته شود.

به هر حال جنس فیلم های دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ (دوران طلایی فیلم های کودک و کلا سینمای ایران) به این شکل بود. چرا که خیلی از فیلمسازها مسائلی را که می خواستند در سینمای بزرگسال بسازند و در آن سینما با گرفت و گیر مسائل و برداشته ها و نقطه نظرهای سلیقه ای در سانسور و ممیزی روبه رو می شد، آوردند در سینمای کودک. به همین دلیل سینمای کودک هم از جهت کیفیت و هم از جهت کمیت در آن دوره رشد کرد، موضوعات متنوعی از سینمای کودک سر در آورد و همچنین توانست ژانر سینمای خانوادگی را با مخاطب گسترده تر هم به نوعی زنده کند.

یکی از مشکلات همیشگی سینمای کودک، مسئله اکران است. قانونی نانوشتته وجود دارد که می گوید سالن های سینما بعد از ساعت ۷ شب در اختیار فیلم های کودک قرار نمی گیرند. از نگاه شما این محدودیت تا چه اندازه در به حاشیه رفتن سینمای کودک مؤثر بوده است؟

مسئله اکران معضل همیشگی سینما بوده، به خصوص در مورد سینمای کودک. اگر به تاریخچه این سینما نگاه کنیم، می بینیم که در ابتدا و به خصوص در دهه ۶۰، همانگونه که اشاره کردم اکران هم به طور کامل و به شکل دستوری در اختیار دولت بود. دولت به دلیل حمایتی



من خیلی با دنباله سازی میانه خوبی ندارم. از ابتدا اصولا تکرارهای این طوری برایم جذاب نبود. در مورد بقیه فیلم هایم، فیلم های بزرگسالانه ای که بعدا موفق شدند و فروش بالایی پیدا کردند نیز با وجود اضطرار سرمایه گذارها و تهیه کنندگانی که راضی بودند این کار را انجام دهند، من تن ندادم



فیلم های خانوادگی هم کم و بیش همین طور بود.

جالب این بود که در آن تقسیم بندی که در پایان سال هم نوبت های اکران همه تولیدات سال، صرفاً بر مبنای نزدیکی و دوری با معیارهای مورد پسند هدایتگران اجباری سینما، اعلام می شد؛ اصلاً تعریفی از «فیلم خانوادگی» به عنوان یک ژانر نشده بود و در لیست ژانرهایی که سالانه بعنوان محدوده های مجاز اعلام می کردند اثری از فیلم خانوادگی نبود و این همان چیزی بود که اگر توجه کنید در تمام طول این سال ها و به خصوص در آن دوران، خلاف آن در سینمای استاندارد جهان جاری و این نوع از «سینمای خانواده»، یا «family film» در سینمای جهان حاکم مطلق سینماها بود (و هنوز هم هست). یعنی ما در همان دوره فیلم هایی مثل «E.T» را در سینمای امریکا داشتیم که مطلقاً محدودیتی نداشتند که فیلم کودک هستند یا فیلم بزرگسال؛ از پنج ساله تا ۹۵ ساله مخاطب این نوع فیلم ها بودند.

این نوع فیلم ها در سینمای امریکا که استاندارد بالاتر و برد بیشتری دارد، به عنوان فیلم های خانوادگی معروف اند. طبعاً سینمای کودک در ایران آن زمان در خیلی از بخش ها جای خالی نیاز به این نوع از سینمای خانوادگی را گرفت.

اتفاقاً فیلم سفر جادویی به همین دلایل دستخوش چالش های جدی هم شد.

نظارتی بود که در سینمای بزرگسال وجود داشت. این نوع تسلط ایدئولوژیک طبعاً خط و ربط های مشخصی هم باید می داشت که این خط و ربط ها در سینمای بزرگسال شاید در خیلی از ژانرها و موضوعاتی که می توانست مورد توجه فیلمسازان باشد، قابل انجام نبود. به همین دلیل در دوره اول به خصوص در پنج، شش سال اول دهه ۶۰ شاهد رشد خیلی بیشتری در سینمای کودک نسبت به سینمای بزرگسال بودیم. دلیل عمده اش به نظر من - که در همان زمان در دوره دوم، کار فیلم سازی رسمی و حرفه ای بلندم را شروع کردم - این بود که در فیلم سازی بلند، خیلی از موضوعات به راحتی امکان نمود نداشت...

وزارت ارشاد و معاونت سینمایی آن زمان در تقسیم بندی سالیانه تولیدات و مجوزهایی که به فیلم ها و به ژانرهای مختلف می داد، قادر مطلق بود و تریبی داده بود که طبق آن، ژانرهای مختلف سینمایی اجازه نداشتند از یک تعدادی بیشتر ساخته شوند. همه این تقسیم بندی و محدودیت هایی که وجود داشت می بایست در نوع تولیدات رعایت می شد، اما سینمای کودک تقریباً از این قاعده مستثنا بود. به علاوه ما شاهد بودیم که آن زمان به عنوان مثال، در آن سال های اولیه، تقریباً هیچ فیلم اجتماعی به معنای ژانر، ساخته نمی شد. چون موضوعات ملتهد و کلا جریان واقعی زندگی اجتماعی، خارج از روایت سلیقه ای و ایدئولوژیک نظارت کنندگان، از نظر معیارهای آن زمان قابل ساخت نبودند. حتی در مورد